

یگو چند سالته تا بگم چی بخونی

از کجا بدانیم کدام کتاب برای کودکان مان مناسب است و رده‌بندی سنی کتاب‌ها بر اساس چه معیارهایی است؟



از کجا بدانیم کدام کتاب برای کودکان مان مناسب است و رده بندی سنی کتاب ها بر اساس چه معیارهایی است؟ بارها شده که خواسته اید برای کودک خود کتابی بخرید، اما برای تان سوال پیش آمده که آیا کتابی که می خرم مناسب سن کودکم است یا خیر؟ گاهی در فیپای کتاب یا در پشت جلد عنوان می کنند مناسب برای گروه سنی «الف»، «ب»، «ج»، «د» و «ه». اما ممکن است ندانید منظورشان از این حروف کدام گروه سنی است. به گزارش ایسنا، این رده بندی کتاب های کودک و نوجوان که همه آن را با گروه های سنی «الف»، «ب»، «ج»، «د» و «ه» می شناسیم از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تدوین شده و با گذشت چند دهه و تغییراتی که در جامعه وجود داشته، هنوز جایگاه خود را حفظ کرده است.

این گروه های سنی با تعریفی که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارائه داده بدین شرح است:

گروه سنی «الف» شامل سال های قبل از دبستان که از آن به دوره خردسالی یاد می شود؛ کودک در این دوره با تصاویر ارتباط بهتری برقرار می کند و در دوره دوم می توان از او انتظار درک روابط منطقی را در شکلی ساده داشت. در این دوره خردسال قوه تخیل قوی دارد اما توانایی درک حوادث پیچیده و روابط علی و معلولی را ندارد. به گفته الهام رحمانی از اعضای شورای کتاب کودک، معرفی واژگان جدید، رعایت ساده نویسی و جملات کوتاه، توجه به رنگ، اشکال و مفاهیم متضاد، تصویری و بدون متن، ترغیب به بازی های مشارکتی، تقویت حواس پنج گانه، برآورده کردن حس کنجکاوی، مهارت های ارتباطی بین اشیا و کلمات و لذت بخش بودن از مهم ترین ویژگی های کتاب مناسب برای گروه سنی «الف» است.

گروه سنی «ب» نیز سال های آغاز دبستان (کلاس اول، دوم و سوم) را در برمی گیرد؛ در این دوره کودکان توانایی درک روابط علت و معلولی و مسائل منطقی ساده را دارند، آن ها زبان را یاد گرفته و خط را می شناسند و می توانند داستان های ساده را درک کنند. رحمانی همچنین درباره این گروه می گوید: تقویت حرکات بدنی، داشتن قهرمان داستانی و همذات پنداری با قهرمان داستان، آموزش مستقیم و غیرمستقیم در نقش های متعدد، ترغیب به بازی های مهارتی، تقویت قوه تخیل و بازی های نمایشی و خیمه شب بازی نکاتی هستند که باید در کتاب های این گروه سنی مورد توجه قرار بگیرند.

گروه سنی «ج» در برگزیده سال های پایان دبستان (کلاس های چهارم، پنجم و ششم) است؛ کودک در این دوره دارای تفکر انتزاعی می شود، توانایی درک بالایی دارد، به علت توجه ویژه ای نشان می دهد و آماده فعالیت های گروهی است. توجه به بازی های ساختنی و اکتشافی، حس رقابت جویی، ترویج و معرفی بازهای گروهی، بیدارکننده ذوق کودک، آموزش رفتارهای اخلاق مدار یا تربیت اجتماعی، و تعلیم مفاهیم با رعایت اصول و قوانین، نکاتی است که عضو شورای کتاب کودک برای انتخاب کتاب های گروه سنی «ج» معرفی می کند.

همچنین گروه سنی «د» دوره اول متوسطه (کلاس های هفتم، هشتم و نهم) را شامل می شود؛ این دوره آغاز دوران نوجوانی است که با تغییرات جسمی، روحی و اجتماعی کودکان همراه است. در این دوران آثاری که ویژگی های شخصیتی نوجوان؛ کنجکاوی، پرسشگری و تجربه های جدید را منعکس می کنند، می توانند مناسب باشند. رحمانی درباره کتاب های مناسب این سن به این نکته ها اشاره دارد: آموزش غیرمستقیم حقوق شهروندی، پرورش استعداد های فردی و اجتماعی، معرفی صحیح جنس مکمل و انتخاب آثاری که از تقابل جنسی به دور باشد و هدایت کودک به سمت مشارکت های اجتماعی.

گروه سنی «ه» هم دربرگیرنده دوره دوم متوسطه (کلاس های دهم، یازدهم و دوازدهم) است؛ در این دوره نوجوانان درگیر تنش های بسیاری برای پیدا کردن شخصیت خود هستند و در جریان این تنش ها آثاری که الگوی مناسبی به آن ها ارائه می دهد می تواند مورد توجه باشد.

ایسنا در هفته ملی کودک درباره معیارهای رده بندی سنی کتاب های کودک و نوجوان با نویسندگان این حوزه گفت وگو کرده است که در پی می آید.

رده بندی سنی کتاب ها با وجود ایرادها هنوز راه گشاست

پیروز قاسمی - پژوهشگر و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان - درباره رده بندی کتاب های کودک و نوجوان به گروه های سنی مختلف اظهار می کند: داستان گروه بندی سنی کتاب های کودکان و نوجوانان موضوعی بسیار قدیمی است. به ظاهر اولین بار توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اعمال شده است و تا آن جا که می دانم هیچ تقویم موثق و قابل استناد و یا پروتکل مکتوبی برای آن حتی در کانون وجود ندارد و با توجه به این باید حدس زد مربوط به سال های بین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ باشد. در آن سال ها کانون به عنوان بزرگترین تولیدکننده آثار ویژه کودکان این رده بندی را به

عنوان تنها مرجع علمی تفکیک گروه های سنی انتخاب کتاب مناسب که در زمان خود بسیار راهگشا بود ارائه کرد که تاکنون و نزدیک به ۵۰ سال شناخته شده ترین معیار تفکیک سنی کتاب به شمار می آید. بر این اساس هر کتابی که کانون چاپ کند، رو و پشت جلدش نشان روشنی از تعلق به گروه سنی خاصی دارد. بدین ترتیب، مربیان کانون - حتی اگر کتاب را نخوانده باشند - می توانند به سادگی دریابند هر کتابی برای چه مخاطبی قابل توصیه است. این طبقه بندی توسط ناشران دیگر هم مورد استفاده قرار گرفت و البته گاهی مورد انتقاد بود.

او درباره معیارهای رده بندی می گوید: تقسیم بندی موجود، بر اساس حجم و تعداد صفحات، تعداد و سبک نقاشی، نوع مطالب، و معیارهایی از این قبیل بوده است و به گروه های مختلف سنی «الف»، «ب»، «ج»، «د» و «ه» تفکیک می شوند. به طور کلی گفته اند این طبقه بندی بر اساس اصول روان شناسی کودکان صورت گرفته است، اما کانون و کارشناسان و مدیران کانون تاکنون دفاع دقیقی از اسباب و علل این طبقه بندی، و یا کشوری که این شیوه از آن اقتباس شده، و مبنای نظری چنین تفکیکی نکرده اند. الزامی برای رعایت این تقسیم بندی وجود ندارد اما ناشران معتبر تا چند سال پیش رعایت می کردند و امروز کمتر شده است. حداقل آن جدول هایی که پشت جلد کتاب وجود داشت امروز در اکثر موارد وجود ندارد و بیشتر به صفحه شناسنامه و جدول فیفا خلاصه شده است.

قاسمی همچنین درباره این که این تقسیم بندی ها چقدر درست است، بیان می کند: اصل لزوم گروه بندی را نمی توان به بهانه قدیمی بودن انکار کرد، و فراگیری و پایداری نزدیک به چهل ساله آن هم در برابر انتقادات نشان از کارآمدی اش دارد. اما در حال حاضر کارشناسان بسیاری در همه دنیا، آن را ناکارآمد ارزیابی می کنند. این ناکارآمدی بیشتر به بی توجهی آن به گروه سنی زیر شش سال برمی گردد و همین طور نبودن مرز مشخص برای نوجوانی و جوانی و برخی ایرادهای قابل توجه دیگر.

او خاطرنشان می کند: به نظر من تقسیم بندی موجود مرجع مهمی برای خرید کتاب مناسب توسط پدر و مادرهاست و با این که نواقص قابل توجهی دارد، اما تا حد زیادی راه گشاست و بهتر است تا پیدا کردن جایگزین مناسب ادامه پیدا کند. اگرچه یافتن روشی استاندارد که براساس آن بتوان همه کشور را تحت پوشش داد امکان پذیر نیست. به این جهت که مفهوم کودکی یا نوجوانی در همه جا یکسان نیست و با توجه به تغییرات و سطح فرهنگ و اقتصاد در مناطق مختلف کشور تغییر می کند.

وقتش رسیده به شیوه های دیگری متوسل شویم

حمیدرضا شاه آبادی - نویسنده ادبیات کودک و نوجوان و مدیر انتشارات مدرسه - در این باره می گوید: رده بندی کتاب های کودکان و نوجوانان کار لازم و واجبی است، اما نکته مهم تر این است که آیا چنین تفکیکی شدنی است یا نه و معیارهایی که داریم تا چه حد می تواند مفید باشد و کارایی لازم را داشته باشد؟ نزدیک ۴۰ سال است که بر اساس ابداع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، گروه بندی سنی الفبایی تشکیل شده است و از گروه «الف» تا «ه» ادامه دارد. گروه بندی سنی توسط برخی از ناشران دیگر هم رعایت می شود و برخی از ناشران هم کتاب ها را بر اساس دوره های آموزشی تقسیم بندی می کنند مانند انتشارات مدرسه.

او با بیان این که کودکی مفهومی ذهنی و کاملاً اعتباری است خاطرنشان می کند: یعنی کودکی چیزی نیست که بر اساس سن تقویمی و یا ویژگی دیگر بشود آن را دسته بندی کرد و معیار استاندارد را تعیین کرد که برای همه مناطق قابل استفاده باشد. به طور مثال چند سال پیش در یکی از کتابخانه های کانون یکی از شهرها حضور پیدا کردم و در آن جا دیدم مربی کانون کتابی را که برای گروه سنی ج (سال های پایان دبستان) بود، برای بچه های سال آخر دوره راهنمایی که گروه «د» می شدند، روخوانی می کرد، زیرا آن بچه ها توانایی روخوانی کتاب گروه سنی «ج» را هم نداشتند. در واقع بر اساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مفهوم کودکی و توانایی کودکان در حوزه های مختلف و تجربه های شان با هم متفاوت است، به همین دلیل نمی توانید یک کتاب را برای گروه سنی خاصی در سراسر کشور و مناطق مختلف استاندارد اعلام کنید. به نظر من زمان آن رسیده برای طبقه بندی کتاب ها به شیوه های دیگری متوسل بشویم. روش تقسیم بندی بر اساس سن شاید در زمانی درست به نظر می رسید، اما امروز با گسترش ارتباطات و تحولات مختلفی که در حوزه های مختلف رخ داده شاهد شکاف بیشتری بین کودکان در مناطق مختلف هستیم.

این نویسنده درباره پیشنهادش برای روش های جدید نیز اظهار کرد: روش های دیگر موضوعی نیست که من بتوانم درباره اش نظر بدهم اما گمان می کنم باید این موضوع به معرض رأی جمعی گذاشته شود و افراد مختلف در موردش اظهار نظر کنند. خوشبختانه در انتشارات مدرسه فعالیتی را برای استانداردسازی کتاب کودکان شروع کرده ایم که در آن از نظرات صاحب نظران مختلف استفاده کردیم و امیدواریم این فرایند بتواند به نتیجه درستی برسد یا در جای دیگری به شکل دیگری اتفاق بیفتند و به رفتار صحیح تری برای طبقه بندی کتاب های کودک برسیم.

او همچنین درباره گروه بندی های انتشارات مدرسه توضیح می دهد: انتشارات مدرسه با توجه به نظام آموزشی کتاب ها را تنظیم می کند بنابراین به مقطع و پایه تحصیلی توجه دارد. در انتشارات مدرسه کتاب ها را به این شکل تعریف کرده ایم: پیش دبستانی اول (صفر تا ۴ سالگی) پیش دبستانی دوم (۴ تا ۷ سال)، ابتدایی اول، ابتدایی دوم، متوسطه اول (کلاس هفتم تا نهم) و متوسطه دوم (نهم تا دوازدهم).

گروه های سنی به هم ریخته است

مصطفی خرامان - نویسنده ادبیات کودک و نوجوان - هم درباره رده بندی سنی کتاب های کودک و نوجوان اظهار می

کند: این گروه بندی ها به خاطر تغییر وضعیت جسمی مخاطبان است؛ از دوره خردسالی به کودکی و کودکی به نوجوانی. با رفتن به مدرسه شرایط کودکان تغییر می کند و وارد نوجوانی که می شوند اخلاق شان عوض می شود، بنابراین طبیعی است که کتاب ها گروه سنی داشته باشند، ولی نکته ای که وجود دارد این است که با وجود اینترنت و بازی های رایانه ای، این گروه ها کمی به هم ریخته است؛ مثلاً نوجوانان دوست ندارند رمان نوجوان بخوانند پس سراغ کتاب های بزرگسالان می روند و این گونه فکر می کنند بزرگ تر شده اند.

او در ادامه تأکید می کند: در شرایط فعلی، اوضاع کودکان فرق کرده و رعایت گروه بندی های سنی کمی سخت شده است، به همین دلیل اکثر کشور دیگر گروه سنی را در کتاب های شان عنوان نمی کنند بلکه قطع کتاب هاست که مشخص می کند کتاب برای کدام گروه سنی مناسب است، همچنین لیست هایی برای پدر و مادرها ارائه می شود که تقسیم بندی ها را نشان می دهد.

دفاع از رده بندی سنی

همچنین **مجید شفیعی** - نویسنده ادبیات کودک و نوجوان - در این باره می گوید: طبقه بندی کتاب های کودک و نوجوان بر اساس سن باید لحاظ شود؛ همان طور که در سینما لحاظ می شود. ژانر پیازه اولین واضع رده بندی سنی کودکان است؛ او معتقد بود کودکان در سال های اولیه دیدی انضمامی دارند و خودمرکزین هستند و همه چیز را حول محور خود فرض می کنند، در نظر آن ها همه چیز جاندار می شود و خود را علت وقوع وقایع می دانند، زمانی هم که سن شان بالاتر برود این ذهن انضمامی به تفکر انتزاعی تبدیل می شود. حال ما چگونه می توانیم رده بندی سنی را غلط بدانیم و آن را رد کنیم؟ این رده بندی چیزی است بر اساس گنجینه فکری، لغوی و تصویری، و جمع تخیل ذهن بچه در اثر گذر زمان به وجود می آید که تلقی متفاوتی از جهان اطراف خود دارد. ما نمی توانیم این موضوع را نادیده بگیریم زیرا کودک به اقتضای سن خود جهان بینی های مختلفی دارد. هرچند الان به خاطر وفور اطلاعات به واسطه اینترنت کودکان به بلوغ زودرس و به نظر من بلوغ نارس دچار می شوند و نمی توانند جهان را کشف کنند.

او در ادامه خاطرنشان می کند: طبقه بندی ها بر اساس سن روان شناسانه است. زمانی که من ۱۴ سالم بود ادبیات کودک رده بندی مشخصی نداشت و شلم شوربایی بود. اصلاً کتاب کودکی وجود نداشت. من آن زمان سراغ صادق هدایت، نمایشنامه های غلامحسین ساعدی و رمان های محمود دولت آبادی هم رفتم، الان با خودم می گویم کاش آن موقع آن ها را نمی خواندم و سال های بعد می خواندم شان، زیرا به سبب محدودیت های ذهنی ام در آن سال ها درک خوبی از آن کتاب ها نداشتم و این موضوع در ناخودآگاه ذهنم حک شده است. ناخودآگاه غول است، غولی نفهم و غولی است که مانند طوطی نقش پذیر است و ما بدون آن که بدانیم نقش می پذیریم. به نظرم رده بندی سنی درست است.

شفیعی با بیان این که فکر نمی کند این رده بندی ها در کتاب های کودک و نوجوان رعایت شود، می گوید: نادر ابراهیمی در یکی از کتاب هایش می گوید باید از یک سری لغات برای کودکان استفاده کنیم، زیرا بسیاری از کلمات و افعال در گنجینه لغات و دایره فهم کودک نیست. انسان در زبان تبلور پیدا می کند. زبان واسطه ای با جهان اطراف است که اگر رعایت نشود می تواند در ارتباط با جهان تشکیک ایجاد کند.

ندا ولی پور - خبرنگار ایسنا